**پایبندى به آداب اجتماعى و بى‏مبالاتى در آداب معاشرت‏(۱)**

مهدى احمدپور

**مفهوم شناسى‏**

بى‏تردید انسان، موجودى اجتماعى و خواهان انس و ارتباط با دیگران است. دین مبین اسلام، در راستاى همین نیاز و تمایل فطرى از عزلت و رهبانیت به عنوان سبک و رویه زندگى، نهى کرده‏[[۱]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_edn1) و بر مصاحبت و معاشرت افراد جامعه اسلامى با یک دیگر تأکید فرموده است.[[۲]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_edn2) به طور طبیعى، معاشرت و ارتباط با دیگران در هر جامعه، آداب و رسومى دارد که با وجود شباهت در کارکردها، تا حدودى نیز متفاوتند. این آداب اجتماعى، هیأت‏ها و ظرافت‏هاى رفتارى مربوط به ارتباطات و تعاملات مردم با یک دیگرند و کارکرد اصلى آن‏ها، تقویت روابط اجتماعى و تسهیل آراستگى به فضایل اخلاقى است. آداب غذا خوردن، آداب ملاقات و سلام و احوالپرسى، آداب دوستى و صمیمیت، آداب دید و بازدید، آداب خواستگارى و ازدواج، آداب تسلیت و همدردى، آداب خرید و فروش، آداب برگزارى جلسات علمى و مذهبى و شرکت در آن‏ها و آداب تدریس و تحصیل، مواردى از آداب اجتماعى هستند.

با وجود اینکه «آداب»، همان محاسن و ظرایف اعمال و رفتارند و در معناى «حسن و مطلوبیت» اختلافى وجود ندارد، در تشخیص مصادیق آن در جوامع مختلف، اختلافات زیادى دیده مى‏شود.

**تفاوت‏هاى اخلاق و آداب‏**

ممکن است برخى افراد، برداشت یکسانى از «اخلاق» و «آداب» داشته باشند؛ در حالیکه میان این دو، تفاوتهاى زیادى وجود دارد که مهم‏ترین آن‏ها از این قرارند:

1. اخلاق، عبارت است از ویژگى‏ها و خصایص پایدارى که روح انسان در اثر تکرار و مداومت بر اعمال خاصى، به آن‏ها متصف مى‏شود؛ ولى آداب، عبارتند از ظرایف اشکال و شرایط مختلفى که اعمال به شرط وجود یا عدم آن‏ها، پسندیده و خوشایند شمرده مى‏شود و میان این دو معنا، تفاوت زیادى وجود دارد.[[۳]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_edn3) ۲. آداب اجتماعى را مى‏توان به اعتبار خاستگاه‏هاى آن‏ها، به آداب دینى و غیردینى تقسیم کرد. بر این اساس، آداب دینى به آداب منسوب به دین گفته مى‏شود که از نظر شرعى، برخى سنت نامیده شده است؛ یعنى شارع مقدس به آن‏ها نظر دارد و به انجام آن‏ها در قالب یک امر مستحب، دستور داده است. نظر به اینکه دستورات اسلام داراى حکمت مى‏باشد باید امورى را که سنت شمرده است، به صورت یک اصل حفظ کنیم. این‏ها تشریفاتى نیست؛ بلکه حقایق است و به یک زمان خاص نیز اختصاص ندارد؛ بلکه براى تمام زمان‏ها است.[[۴]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_edn4) آداب غیردینى، آدابى هستند که پیدایش و رواج آن‏ها، ریشه در ویژگى‏هاى منطق‏هاى، نژادى، تاریخى، صنفى، جنسى و امثال این‏ها دارد؛ براى مثال، سلام کردن، سعى در پیشى گرفتن در سلام، جواب سلام را کامل‏تر ادا کردن و نشستن در اولین جاى خالى هنگام ورود به مجلس، از آداب دینى است و برداشتن کلاه یا دست به سینه گذاردن یا خم شدن هنگام سلام دادن، اشکال عرفى و غیردینى گوناگونى از ادب سلام دادن در جوامع مختلف هستند.[[۵]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_edn5)

نتیجه اینکه «بى‏مبالاتى در آداب معاشرت»، بى‏توجهى به قراردادهاى اجتماعى و توافق‏هایى است که میان مردم، در ردیف امور اخلاقى و نشانه احترام به دیگران و رشد شخصیت اجتماعى به شمار مى‏آید؛ بنابراین کسى که خیلى زود یا خیلى دیر به میهمانى حاضر مى‏شود، کسى که هنگام ورود، به حاضران سلام نمى‏کند، کسى که پاسخ نامه دیگران را نمى‏دهد، کسى که بیرون کلاس و محیط درسى، ادب آشنایى و شاگردى را درباره استاد و همکلاسى‏هایش مراعات نمى‏کند، کسى که خارج از حریم خصوصى و در حضور دیگران با لباس و ظاهرى نامناسب، رفت و آمد مى‏کند و کسى که با شکل و شمایلى بیگانه با فرهنگ عمومى در جامعه ظاهر مى‏شود، اگر هم واجبى را ترک نکرده و حرامى مرتکب نشده باشد؛ اما چون بین مردم، خلاف این رویه مرسوم است، عمل او بى‏مبالاتى در آداب معاشرت بوده و از منظر جامعه، عملى نامطلوب به شمار مى‏آید.

1. قضاوت درباره آداب اجتماعى، به سازمان اجتماعى هر جامعه برمى‏گردد. اعمال مربوط به آداب اجتماعى، زمانى نادرست تلقى مى‏شوند که یک توافق اجتماعى موجود، زیر پا گذاشته شود؛ در حالى که تخلفات اخلاقى، همیشه نادرستند؛ هر چند هیچ توافق اجتماعى هم درباره آن‏ها در کار نباشد. به همین دلیل، تخلف اخلاقى نسبت به تخلف از آداب اجتماعى، زشتى بیشترى دارد و افراد کمترى به آن تن مى‏دهند.
2. مسایل اخلاقى، میان فرهنگ‏هاى گوناگون، ثابت و تغییرناپذیر است؛ اما آداب اجتماعى غیر دینى که تابعى از تاریخ و فرهنگ مردم شمرده مى‏شود، بیشتر، نسبى و متغیرند؛ زیرا این گونه آداب، زاییده طرز تلقى خرد جمعى طوایف متنوع بشرى از مناسبات «ابزار- اهداف» است که خود، تابعى از میزان دانش و سطح آگاهى ملى- منطق‏هاى، سلایق زیباشناختى و خصایص و روحیات نژادى و قومى است.
3. آداب اجتماعى غیر دینى، با این که فى‏الجمله داراى تأثیرات مثبتى هستند، تأثیرى استقلالى و بى‏بدیل در کمال یا سعادت انسان ندارند، تا اثر مخالفت با آن، مانند تأثیر مخالفت در قضایاى اخلاقى باشد.[[۶]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_edn6)

**یادآورى:**

لازم است توجه داشته باشیم که در پایبندى به آداب غیر دینى این دقت را مى‏طلبد که این آداب با دستورات دینى در تعارض و تضاد نباشد؛ به عنوان مثال گاهى برخى موضوعات مثل پذیرایى‏هاى آنچنانى در برخى محافل به عنوان آداب اجتماعى طرح مى‏شود که از مصادیق اسراف و حرام است و یا برخى رفت و آمدها، چنان دست و پاگیر مى‏شود که از مصادیق اتلاف و تضییع وقت انسان است. و یا برخى موضوعات به عنوان آداب اجتماعى، عرف یک جامعه مى‏شود که ریشه در خرافات دارد و یا ترویج فرهنگ بیگانه است.

از این رو بر فرهیختگان و مسؤولین فرهنگى جامعه است که این آداب را تبیین کنند و آدابى که برخاسته از فرهنگ اصیل و روح تعالیم دینى است و از هر نوع انحراف به دور است را در جامعه نهادینه کنند.

**نتایج و پیامدها**

پایبندى به آداب اجتماعى و نیز بیمبالاتى در آداب معاشرت، نتایج‏

و پیامدهایى به دنبال دارد که طى دو بخش به مهم‏ترین آن‏ها اشاره مى‏کنیم:

**الف. نتایج و پیامدهاى تأدب به آداب اجتماعى‏**

– تأدب به آداب اجتماعى، باعث روابط پایدارتر، عمیقتر، صمیمى‏تر، شیرین‏تر و مؤثرترى میان افراد جامعه مى‏شود. یکى از ثمرات تأدب به آداب، افزایش ارزش وجودى آدمى و شأن انسانى اواست. امیرمؤمنان علیه السلام مى‏فرماید:

اى مؤمن! همانا این علم و ادب، جانب‏هاى تو است؛ پس در یادگیرى آن‏ها بکوش که هر چه علم و ادبت افزوده‏تر شود، قدر و بهاى تو بیشتر مى‏گردد.[[۷]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_edn7)– تأدب به هر یک از آداب، انسان را به نوعى در نظر دیگران، زیبا و آراسته مى‏کند. گویى که هر یک از صحنه‏هاى حیات آدمى، مجلسى است و انسان با تأدب به هر ادب تازهاى، با لباسى جدید و فاخر، در آن مجلس حاضر مى‏شود و با ارائه جلوهاى برازنده، مرتب و پاکیزه، تحسین و تمجید دیگران را برمى‏انگیزد.

امیر مؤمنان على علیه السلام مى‏فرماید:

آداب، همانند لباس‏هایى فاخرند که نو به نو مى‏شوند.[[۸]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_edn8) از آنجا که تأدب به آداب اجتماعى، پرجاذبه است و دیگران را به سوى انسان جذب مى‏کند، بستر خوبى براى ارائه اسوه مطلوب اخلاقى و الگوسازى عملى و امر به معروف و نهى از منکر غیر مستقیم و حتى مستقیم و اصلاح جامعه فراهم مى‏کند؛ و بالأخره اینکه تأدب افراد یک جامعه به آداب اجتماعى، در صورتى که فراگیر شود، ضریب همبستگى اجتماعى (قومى، ملى، مذهبى) را بالا مى‏برد و بدین ترتیب زمینه را براى استفاده از ظرفیت‏هاى بالاى جامعه هماهنگ و متحد، فراهم مى‏آورد.

**مباحث:**

**ب. نتایج و پیامدهاى بى‏مبالاتى در آداب معاشرت، ریشه یابى؛ درمان؛ در شماره بعد تقدیم مى شود ان‏شاءالله.**

**پیوست‌ها:**

[[۱]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_ednref1) . قرآن کریم در آیه ۲۷ سوره حدید درباره پیروان حضرت عیسى مسیح علیه السلام مى‏فرماید:\i« و آتیناه الانجیل و جعلنا فى قلوب الذین اتبعوه رأفه و رحمه و رهبانیه ابتدعوها ما کتبنها علیهم إلا ابتغاء رضوان الله فمارعوها حق رعایتها»\E البته با توجه به آیات: مریم: ۴۹ و کهف: ۱۶ و مریم: ۱۶- ۱۷ و سیره پیامبر اعظم صلى الله علیه وآله خلوت‏گزینى و کناره‏گیرى از جامعه در برخى شرایط جایز و بلکه لازم مى‏باشد؛ ولى این حالت یک رویه ثابت و همیشگى براى همه افراد در همه زمان‏ها از منظر دینى، مردود است.

[[۲]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_ednref2) . امیرالمؤمنین علیه السلام مى‏فرمایند:« أفضل الفضائل صله الهاجر[ المهاجر] و إیناس النافر و الأخذ بید العاثر؛ بالاترین فضیلت‏ها ارتباط با غیر مرتبط و انس با فرارى و دستگیرى از خطاکار است». هدایه العلم فى تنظیم غررالحکم، ص ۴۸۴، ح ۲۹.

[[۳]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_ednref3) . المیزان فى تقسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۷۳- ۲۷۵.

[[۴]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_ednref4). اسلام و مقتضیات زمان، مرتضى مطهرى، تهران، صدرا، هفتم، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۲۹۰، با تصرف.

[[۵]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_ednref5) . تذکر: در این نوشتار، منظور از تأدب به آداب اجتماعى و بى‏مبالاتى، همین قسم اخیر است( آداب اجتماعى غیر دینى) که بررسى مى‏شود.

[[۶]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_ednref6). روان‏شناسى رشد با نگرش به منابع اسلامى( ۲)، ص ۱۱۱۱- ۱۱۱۴( پژوهشکده حوزه و دانشگاه).

[[۷]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_ednref7)..« یا مؤمن إن هذا العلم و الادب ثمن نفسک فاجتهد فى تعلمهما فما یزید من علمک و أدبک یزید فى ثمنک و قدرک» مشکات الانوار، ابوالفضل على بن حسن طبرسى، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۵ ق، ص ۱۳۵.

[[۸]](http://bonyadhad.ir/2881%22%20%5Cl%20%22_ednref8).« الآداب حلل مجدده»، غررالحکم، عبد الواحد بن محمد تمیمى آمدى، قم، دفتر تبلیغات اسلامى، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۴۷.